ارائه کلاسی: ورشکستگی در حقوق تجارت

به نام خدا

سلام و عرض ادب خدمت استاد محترم و دوستان عزیز.

موضوع ارائه من امروز ورشکستگی در حقوق تجارت ایران هست.

۱ .مفهوم ورشکستگی

طبق ماده ۴۱۲ قانون تجارت، ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از پرداخت بدهی‌ها به وجود میاد.

نکته مهم اینه که صرف بدهکار بودن به معنای ورشکستگی نیست؛ بلکه زمانی موضوع ورشکستگی مطرح می‌شه که تاجر از پرداخت بدهی‌های خودش متوقف بشه.

برای مثال، اگر یک تاجر به دلیل مشکلات اقتصادی نتونه بدهی‌های سررسیدشده خودش رو پرداخت کنه، ممکنه مشمول مقررات ورشکستگی قرار بگیره.

۲ .اعلام ورشکستگی

طبق ماده ۴۱۵ قانون تجارت، اعلام ورشکستگی می‌تونه به درخواست خود تاجر، طلبکاران یا دادستان انجام بشه.

همچنین ماده ۴۱۳ مقرر می‌کنه که تاجر باید ظرف سه روز از تاریخ توقف، موضوع رو به مرجع مربوط اعلام کنه.

۳ .آثار ورشکستگی

ورشکستگی آثار حقوقی مهمی داره که مهم‌ترین اون‌ها عبارت‌اند از:

اول، طبق ماده ۴۱۸ قانون تجارت، تاجر ورشکسته حق مداخله مستقل در اموال مشمول ورشکستگی رو نداره و مدیر تصفیه در فرایند رسیدگی به امور مالی نقش پیدا می‌کنه.

دوم، طبق ماده ۴۲۱، بدهی‌های مدت‌دار تاجر با صدور حکم ورشکستگی حال می‌شن؛ البته با رعایت تخفیف قانونی مربوط به مدت.

سوم، طبق ماده ۴۲۳، بعضی معاملات تاجر بعد از تاریخ توقف، مانند انتقال بلاعوض اموال در شرایط مقرر قانونی، باطل و بلااثر هستن.

هدف این مقررات، حفظ حقوق طلبکاران و جلوگیری از تضییع دارایی‌های تاجر هست.

۴ .انواع ورشکستگی

ورشکستگی از نظر وضعیت و رفتار تاجر به سه دسته تقسیم می‌شه:

ورشکستگی عادی: زمانی که تاجر بدون تقلب یا تقصیر قانونی، از پرداخت بدهی‌هاش متوقف می‌شه.

ورشکستگی به تقصیر: زمانی که تاجر مرتکب رفتارهای مقصرانه‌ای بشه که قانون مشخص کرده؛ برای مثال، در شرایط مقرر قانونی هزینه‌های نامتعارفی انجام بده.

ورشکستگی به تقلب: زمانی که تاجر با رفتارهای متقلبانه، مثل مخفی کردن دارایی‌ها یا از بین بردن اسناد با هدف فریب طلبکاران، مرتکب اعمالی بشه که قانون جرم شناخته.

تفاوت این سه نوع در اینه که در ورشکستگی عادی، صرف توقف مطرحه؛ اما در دو نوع دیگه، رفتار تاجر هم بررسی می‌شه و ممکنه مسئولیت کیفری داشته باشه.

۵ .تفاوت ورشکستگی و اعسار

ورشکستگی اصولاً مخصوص تجار و شرکت‌های تجاریه؛ اما اعسار در مورد اشخاصی که مشمول مقررات اون هستن، از جمله اشخاص غیرتاجر، مطرح می‌شه.

برای مثال، اگر یک مغازه‌دار تاجر از پرداخت بدهی‌های خودش متوقف بشه، ممکنه مشمول مقررات ورشکستگی بشه؛ اما اگر یک کارمند عادی نتونه بدهی خودش رو پرداخت کنه، اصولاً موضوع از طریق مقررات اعسار بررسی می‌شه.

نتیجه‌گیری

در پایان، باید گفت ورشکستگی فقط به معنای بدهکار بودن نیست، بلکه یک وضعیت حقوقی خاصه که با توقف تاجر از پرداخت بدهی‌ها و رسیدگی قانونی به وضعیت مالی او ارتباط داره.

هدف اصلی مقررات ورشکستگی، تعیین تکلیف دارایی‌های تاجر، رسیدگی به مطالبات طلبکاران و جلوگیری از تضییع حقوق اون‌هاست.

از توجه استاد محترم و دوستان عزیز سپاسگزارم.